

### متن پرسش

سلام: در شعر زیبایی از ابن عربی که در کتاب التجلیات آمده است (ترجمه ی استاد الهی قمشه ای): در لینک مقابل <http://yeksookoot.blogfa.com/category/۵> ظاهرا شعر دعوتی از جانب حق تعالی است اما در آخر شعر آمده است: ای معشوق بیا دست در دست هم نهیم و به پیشگاه آن حقیقت لایزال رویم تا او میان ما حکمی جاودانه کند و ما را صلح و آشتی دهد آشتی پس از قهر آه که چیزی لذت بخش تر از این در جهان نیست نشستن در کنار یار و با هم سخن گفتن. متن عربی را هم که پیدا کردم: "حبیبی! تعال، (هذی) یدی ویدک، ندخل علی الحق، لیحکم بیننا حکم الأبد. منظور از «حقیقت لایزال» یا در متن عربی الحق مگر خداوند نیست؟ این با اول شعر جور در نیاید! یعنی خداوند تا حالا بنده اش را دعوت به خود می کرد اما آخر شعر می گوید بیا به پیش آن حقیقت لایزال رویم تا بین ما حکم کند. لطفا راهنمایی فرمایید با تشکر

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نوع ورود در اشعار جناب حافظ نیز هست که از یک طرف نظر به حق دارد در موطن تعین ثانی جهت رجوع به حق در موطن تعین اول و فنای ذات. لذا با یار خود یعنی حضرت حق در تعین ثانی و مقام اسماء به معاشقه می نشیند تا به فنای ذات در تعین اول سیر کند. موفق باشید